

کلان شهر تهران بزرگ و چالش های مدیریت شهری

دکتر کریم حمدی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

دکتر شهرام امیرانتخابی

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور رشت

E-mail : shahram_aeh@yahoo.com

چکیده:

کلان شهر تهران به عنوان بزرگترین مرکز شهری خاورمیانه، تا دو سده پیش، در مقابل شهرهای تاریخی و پر آوازه ایران زمین، شهری کوچک به شمار می آمد که در حاشیه شمالی ری قرار داشت و مکانی خوش آب و هوا در دامنه های جنوبی البرز محسوب می شد که تحولات سیاسی کشور از دوره صفوی به بعد، بر اهمیت چهار راهی ارتباطی آن صحنه نهاد. بویژه از آن جهت که این شهر در مرکزیت و ثقل جغرافیایی جریان حرکت طوایف قدرتمند مدعی حکومت قرار گرفت. تا اینکه از آغاز قاجاریه به پایتختی برگزیده شد و اهمیت روز افزون یافت و با ورود کشور به عصر جدید پس از انقلاب مشروطه و آغاز دوره پرشتاب شهرنشینی در ایران، تهران با در نوردیدن مرز های طبیعی و تاریخی خود و الحاق شهرها و روستاهای پیرامون به به کلان شهری بزرگ تبدیل گردید که البته به مشکلات و معضلات کارکردی کالبدی و اجتماعی - اقتصادی کلان شهرهای کشورهای توسعه نیافته نیز دچار گردید. مسائلی چون بی هویتی، بافت ناهماهنگ کالبدی و فضایی بخش های کهنه و جدید شهر، آلودگی های زیست محیطی، حاشیه نشینی، تمرکز بیش از اندازه فعالیت های رسمی و غیر رسمی اقتصادی و در نتیجه تمرکز ناموزون جمعیت در این شهر و غیره، موجب گردید تا بتدریج مراکز جمعیتی و شهرهای حاشیه این کلان شهر نیز رشد نموده و به عنوان مراکز خوابگاهی و پسرانه تهران به قطب های جمعیتی تبدیل شوند که ایجاد قطب شهری کرج در غرب تهران نمونه اصلی آن است. در نتیجه با تمرکز جمعیت در سایر شهرهای پیرامون تهران اکنون با یک مجموعه و منطقه شهری در محدوده استان تهران مواجه هستیم که شکل گیری چنین ساختاری بر پیکره کشور استان تهران پیامدهای خاص خود را داشته و مدیریت کلان سیاسی و اداری خاصی را طی می نماید.

واژه های کلیدی: کلان شهر تهران، منطقه شهری، قطب شهری کرج، نخست شهری، مدیریت شهری.

مقدمه

یکی از مهمترین مشکلات فضایی - اداری کشورهای در حال توسعه، روند جدید شهرنشینی و پیامدهای فضایی، اقتصادی و سیاسی آن است. این گونه کشورها طی گذار از شیوه سکونت گزینی روستایی عشایری به شیوه زندگی

شهری، دچار ناهنجاری های و بحران های ساختاری در شکل پذیری شبکه شهری خود می گردند و غالباً با روی آوردن به الگو های رشد اقتصادی و تمرکز گرایی (در عرصه سیاست و اقتصاد) موجب شکل گیری کلان شهری در پایتخت های جدید خود می گردند که در اندک زمانی پدیده نخست شهری را بر پیکره شبکه شهری و سازمان فضایی این کشورها تحمیل می کند. نخست شهری را جفرسون (۱۹۳۹) به طور رسمی بازشناخت و آنرا شرایطی بر شمرد که بزرگترین شهر در یک کشور هم از لحاظ اندازه و هم از بابت نفوذ ملی فرادست است. در واقع نخست شهری با آنچه توزیع مرتبه - اندازه یا توزیع بهنجار لگاریتمی ابعاد شهری می گویند که ماهیت اصلی کشورهای پیشرفته شمرده می شود، مغایرت دارد. (رابرت. ب پاتر و سلی لوید ۱۳۸۴ ص ۹۵) در ایران نیز این پدیده طی قرن اخیر حول محور تهران شکل پذیرفته است. طی ۲ قرن اخیر تهران ابتدا به آهستگی و سپس بصورت جهشی از شهرهای دیگر ایران فاصله گرفت و نه تنها بزرگترین، پرجمعیت ترین و پرنفوذ ترین شهر کشور گردید و بقیه شهرها و نواحی کشور را به حاشیه صرف خود تبدیل نمود، بلکه طی نیم قرن اخیر یک منطقه شهری به هم پیوسته را در هسته اصلی استان تهران ایجاد نمود. اکنون در کنار سایر مسائل و معضلات این منظومه شهری، مدیریت یکپارچه یا جداگانه شهری در این مجموعه یکی از مهمترین چالش های نظام اداری و دیوانسالاری کشور به شماری می آید. اکنون با درک پیامدهای فضایی و اقتصادی - اجتماعی توسعه کالبدی - فیزیکی تهران بزرگ و انباشت جمعیت در این شهر، شاهد روند ظاهری کاهش هجوم اولیه جمعیت به تهران و محدودیت در گسترش کالبدی و فیزیکی این شهر می باشیم اما در همین حال رشد کالبدی - فیزیکی و انباشت جمعیت به شهرهای اقماری و پیرامون این شهر منتقل شده است که تشکیل قطب های جمعیتی در کرج و شهرهای شهریار، شهر قدس و ... پیامدهایی آن است. در واقع، فرایندی که از هسته اولیه شهر تهران آغاز شده بود و کلان شهر تهران را بوجود آورد، امروزه در قالب منطقه شهری به رشد خود ادامه می دهد. در این مجال به چگونگی این فرایند مهم و پیامدها و راهکارهای برون رفت از آن می پردازیم.

روش تحقیق

مقاله پیش رو از نظر ماهیت، تحقیق توصیفی به شمار می آید چرا که به دنبال چگونگی موضوع و بررسی وضع موجود روند توسعه شهرنشینی در استان تهران و پیامدهای فضایی آن می باشد و در این ارتباط ویژگی ها و صفات پدیده های فضایی مورد نظر (جمعیت و شهرنشینی) را مورد مطالعه قرار می دهد. اما از نظر هدف، این پژوهش، تحقیقی بنیادی نظری به شمار می رود که اطلاعات و مواد اولیه تحلیل آن به روش کتابخانه ای گردآوری شده و با روش آمار توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱- نگاهی کوتاه به تهران، از پایتخت جدید تا کلان شهر کنونی

شهر و شهرنشینی محصول و برآیند شکوفایی تمدن های بشری است. ازاینرو در ایران زمین که از گهواره های تمدن بشری به شمار می آید، نیز از دوران باستان شهرهای بزرگ و با هویتی شکل گرفته است. شهرهایی مانند همدان، شوش، پارسه، استخر، ری، صدرروازه و ... که هر یک مرکزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بخش های

اصلی این سرزمین پهناور را برعهده داشته اند. وجود شهرهای گوناگون، مراکز ثقل سیاسی و جمعیتی متعددی را بر پهنه این سرزمین ایجاد نمود و به همین دلیل در دوره‌های مختلف تاریخ، پایتخت ایران در شهرهای متفاوتی جای گرفته‌است. در دوره پیش از اسلام، همدان، شوش، پارسه (تخت جمشید) صدرروازه و تیسفون پایتخت‌های دولت‌های ماد تا ساسانی بودند. در دوران پس از اسلام نیز اصفهان، تبریز، قزوین، شیراز و مشهد از مهمترین پایتخت‌های ایران به شمار می‌آمدند. در نتیجه، توالی قدرت سیاسی و جابجایی پایتخت‌ها، از برتری قاطع و تمرکز بیش از اندازه جمعیت و اقتصاد در یکی از شهرها جلوگیری می‌نمود. علاوه بر این، عوامل تاریخی (همچون اثرات ویرانگر تاخت و تاز اقوام بیابانگرد بر شهرها) و اقتصادی (شیوه غالب تولید و معیشت روستایی و عشایری مبتنی بر نظام های تیولداری و ارباب رعیتی) مانع از گسترش شهرها شده بود، به گونه ای که طی قرن ها شهرها در محدوده سنتی درون برج و باروها باقی ماندند. در آغاز سده ۱۹ میلادی و روی کار آمدن قاجاریه، ایران به دوره نوینی از تحولات سیاسی و اقتصادی پا گذاشت. پس از کشمکش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی داخلی که در طی سده هجدهم میلادی (اواخر صفویه، افشاریه و زندیه) ادامه داشت، سرانجام آغا محمدخان قاجار حکومت قاجاریه (۱۹۲۵-۱۷۹۵) را بنیانگذاری نمود و در نوروز ۱۱۷۴ خورشیدی (۱۷۹۵ میلادی) تهران را به پایتختی برگزید. در این زمان تهران شهر کوچکی با ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت بود که در شمال شهر تاریخی ری قرار داشت. موقعیت تهران در چهار راه ارتباطی خراسان، شمال (کناره دریای مازندران)، شمالغربی (آذربایجان و قفقاز) و بخش‌های داخلی نجد ایران به این شهر اهمیت می‌بخشید. ضمن آنکه به محل استقرار ایل قاجار در کنار رود اترک و جبهه شمالی در برابر تهاجم روسیه نزدیک تر بود. (میرحیدر ۱۳۸۷ ص ۱۴۶) ضمن آنکه، توجه و تهاجم همسایه نیرومند شمالی (روسیه) به شمال کشور از همین زمان آغاز شده بود و تهران در پناه بلندترین حصار کوهستانی کشور (البرز) موقعیت مناسبی در نیمه شمالی کشور و نزدیک به جبهه های شمالی داشت. از اینرو تهران در طی روزگار قاجاری گسترش اولیه یافت و ساخت و سازهای فراوانی در آن انجام گرفت. در دوره سلطنت فتحعلی شاه محلات تازه و ساختمان‌های چندی در تهران ایجاد گردید که از آن جمله مسجد امام خمینی (شاه)، مسجد سید عزیزالله، مدرسه مروی، قصر قاجار باغ نگارستان و لاله‌زار را می‌توان نام برد. همچنین طول باروی شهر به ۵/۷ کیلومتر افزایش یافت و با ۶ دروازه به بیرون از شهر پیوسته گردید. در زمان محمدشاه قاجار دو کوی عباس‌آباد و محمدیه به محلات تهران افزوده گشت و آب رودخانه کرج بنام نهر کرج (جوی بلوار کشاورز کنونی) به تهران انتقال یافت. با آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه به جهت افزایش چشمگیر جمعیت، دیگر فضایی برای ساخت و ساز درون حصار قدیمی باقی نمانده بود، بنابراین ایجاد محلات در بیرون از حصار مذکور انجام یافت که از آن جمله کاخ‌های شاهی، کوشک‌های اعیانی، سفارتخانه‌ها و منازل خارجیان همگی در بیرون از حصار ساخته شد. همچنین به کوشش امیر کبیر نهادهای چندی از جمله مدرسه دارالفنون، بازار امیر، بازار کفاش‌ها و سرای امیر پدید آمد که خود در گسترش مکانی شهر تهران موثر بود. جمعیت تهران در این دوره بیش از ۱۵۰ هزار نفر برآورد شده است. در همین زمان نیاز به تعیین محدوده جدید شهر احساس می‌شد. از این رو در سال ۱۲۷۵ نقشه‌ای از تهران به مقیاس ۱:۱۰۰۰ تهیه گردید. دومین نقشه شهر با نام دارالخلافه ناصری در سال ۱۲۵۶ (۱۸۷۸م) تهیه گردید که همزمان با نخستین سرشماری نفوس و مسکن به سبک اروپایی انجام گرفت. که حاکی از رشد تهران و گسترش آن از آغاز قاجاریه بود که حدود ۱۳۰۰۰۰

نفر را در درون دروازه های شهر و ۱۷ هزار نفر را در خارج آن جای داده بود. پس از این سرشماری، بعلت آنکه شهر درون دیوار آکنده از جمعیت گردیده بود، ناصرالدین شاه فرمان برنامه ریزی و طراحی شهر جدید تهران را صادر نمود (حبیبی، ۱۳۸۶ ص ۱۳۳). در سال ۱۲۸۴ با همکاری مهندس بوهرلر فرانسوی و تعدادی از مهندسان و معماران ایرانی نقشه دیگری از تهران طرح ریزی شد که در آن پیرامون شهر را به وسیله خندق ها و باروهای نو به شکل هشت ضلعی و با ۱۲ دروازه محدود ساختند که ارتباط درون و بیرون شهر از طریق این دروازه ها انجام می پذیرفت. دروازه های مزبور به ترتیب شمیران، دولت، یوسف آباد، دوشان تپه، دولاب، خراسان، باغشاه، قزوین، گمرک، حضرت عبدالعظیم، دروازه غار و خانی آباد نامیده شدند. مقارن سال ۱۳۰۵ مهندس عبدالغفار نجم الملک، معلم ریاضیات مدرسه دارالفنون با دستیاری عده ای از معلمان دیگر و بیست نفر شاگردان مدرسه مزبور از شهر جدید به مقیاس ۱:۲۰۰۰ نقشه برداری کردند و محیط شهر را به میزان ۱۹۲۰۰ متر اندازه گیری کرده و جمعیت تهران را در حدود ۲۵۰ هزار نفر سرشماری نمودند. هیئت نامبرده برای تهیه نقشه ۴ سال وقت صرف نمودند و بالاخره در سال ۱۳۰۹ نقشه تهران جدید به چاپ رسید که در سنجش با نقشه های پیش از دقت بیشتری برخوردار بوده است. آغاز حکومت پهلوی با گسترش شهرنشینی و بویژه توسعه ناگهانی تهران همراه بود. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خندق ها و دروازه های تهران از بین رفت و شهر از چهار جهت رو به گسترش نهاد و اندکی شکل منظم و هندسی یافت همچنین ساختمان ها و تأسیسات بانک ملی، وزارت امور خارجه، شهربانی کل کشور، ایستگاه راه آهن، دانشگاه تهران و ایستگاه فرستنده رادیو تهران، باشگاه افسران و چند بیمارستان مربوط به این دوره می باشد. سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به دلیل پیامدهای ناشی از جنگ جهانی و مسائل و مشکلات سیاسی برآمده از آن، تغییرات چشمگیری در کشور پدید نیامد. در فاصله بین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷) تهران به سرعت توسعه یافت و ساختمان ها و شهرک ها و باغراه های (بلوارها) تازه ای ساخته شد. تحولات اقتصادی و سیاسی همچون سرریز دلارهای نفتی و پیامدهای اصلاحات ارضی، موجب رونق بخش های مختلف خدمات، تجارت و صنعت در تهران و پیرامون آن گردید. در نتیجه جمعیت این شهر چند برابر گردید و بطرز شگفت آوری محدوده شهر گسترش کالبدی و فیزیکی یافت. به گونه ای که محدوده تهران از جنوب به ری و از شمال تا شمیرانات (که بیلاق تهران بشمار می آمد) و کوهپایه های البرز رسید و طی دوره ۳۰ ساله (۱۳۶۵-۱۳۳۵) با ادغام ۱۰۸ آبادی در محدوده تهران، کلانشهر تهران بزرگ شکل گرفت. (نظریان اصغر ۱۳۷۰ صص ۱۰۷-۱۰۰) در مرحله بعدی و در مقیاسی وسیع تر، تأثیر کارکردها و کشش های پایتخت، آبادی های دیگری را در پیرامون تهران، بسرعت به شهرهای پرجمعیتی تبدیل کرد که در نهایت منظومه شهری تهران را ایجاد نمودند. بطور کلی توسعه تهران پس از جنگ جهانی دوم در طول دو راه اصلی منتهی به شمیران انجام گرفته است و منطقه بین شمال و جنوب شهر از بیابان های جنوب شهر تا کوهپایه های البرز توسعه یافته است (کاستللو ۱۳۷۱ ص ۱۹۶) در سال های پس از انقلاب اسلامی نیز عواملی همچون بحران های داخلی سال های اولیه انقلاب و جنگ تحمیلی و مسئله جنگ زدگان، موجب تمرکز بیشتر همه امکانات آموزشی و بهداشتی، درمانی و رفاهی در تهران گردید که نتیجه قهری آن افزایش بی رویه جمعیت و گسترش افسارگسیخته فیزیکی شهر بود که معضلات اجتماعی و اقتصادی بسیاری (آلودگی محیط

زیست، راهبندانها و مشکلات ترابری شهری، پیشه‌های کاذب و بسیاری مسائل اقتصادی و زیستی) را در پی داشته است.

۲- تحولات جمعیتی تهران در نیم سده اخیر

تهران به خاطر مرکزیت و مزیت‌های سیاسی و اقتصادی، طی نیم قرن گذشته به بزرگ‌ترین کانون جذب جمعیت و فعالیت در کشور تبدیل شده است. ملاحظه داده‌های جدول ۱، نسبت جمعیت تهران را به کل جمعیت جمعیت شهرنشین کشور و استان تهران نشان می‌دهد. طی سه دهه (۷۵-۴۵) درحالیکه جمعیت محدوده قانونی تهران حدود ۲/۵ برابر شده و از ۲/۷۲ به ۶/۷۶ میلیون رسید، جمعیت بقیه استان تهران ۴/۷ برابر شده و از حدود ۷۵۲ هزار نفر به ۳/۵۵ میلیون نفر افزایش یافته است (جهانشاهی، ۱۳۸۴ ص ۳۰) در سال ۱۳۳۵ تهران بترتیب ۸/۲۳ درصد جمعیت کشور ۲۶ درصد جمعیت شهرنشین و ۵۴/۳ درصد جمعیت استان تهران را در خود جای داده بود. این نسبت‌ها طی نیم قرن با افزایش رشد جمعیت تهران به گونه معناداری تغییر یافته است. به گونه‌ای که:

۱- جمعیت تهران به نسبت جمعیت شهرنشین کشور طی دهه ۴۵-۱۳۳۵ به گونه محسوسی افزایش یافت و از ۲۶ درصد به ۳۰/۴۲ درصد بالغ گردید اما در دهه‌های بعدی بتدریج کاهش یافت تا اینکه در سال ۱۳۸۵ به ۱۶ درصد رسید. علت این تغییر البته افزایش تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵ می‌باشد که مجموعه جمعیت شهری کشور را افزایش داده است.

۲- نسبت جمعیت تهران به کل جمعیت استان تهران (به عنوان حومه و پسرانه تهران) نیز در دهه نخست (۴۵-۱۳۳۵) افزایش قابل ملاحظه‌ای نمود و از ۵۴ درصد به ۸۶ درصد رسید اما در دهه‌های بعدی کاهش یافته است. این امر پیش از هر چیز حاکی از اشباع تدریجی تهران و سختی سکونت در محدوده شهر تهران، بعلت گرانی مسکن و زمین و افزایش هزینه‌های زندگی می‌باشد بعبارت دیگر، بتدریج با هجوم جمعیت به سمت شهر تهران و پر شدن ظرفیت‌های آن، روند گسترش فیزیکی این شهر گُند شد و به رغم اینکه جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵، ۳/۹ درصد افزایش یافت، رشد جمعیت شهر تهران از ۴/۳ درصد سال ۱۳۵۵ به ۲/۹ در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت و در سال ۱۳۸۵ به ۱/۴۴ درصد رسیده است. بنابراین کاهش سرعت رشد جمعیت شهر تهران، نتیجه کاهش جاذبه‌های جمعیتی آن نیست، بلکه انباشت جمعیت در تهران و بروز مشکلات مربوط به مسکن و موانع دیگر، جمعیت را به شهرها و شهرک‌های پیرامون تهران سرریز نموده و در نتیجه مهاجران استان‌های دیگر را به تغییر رویکرد از سکونت در تهران به استقرار در نقاط جمعیتی اطراف پایتخت وادار نمود. درحالیکه مهاجران همچنان به انگیزه قابلیت‌های شهر تهران به این استان مهاجرت می‌کنند. تهران بیشترین تعداد مهاجران را تاکنون جذب نموده است به گونه‌ای که مطابق داده‌های سرشماری ۱۳۶۵، حدود نیمی از کل جمعیت تهران را مهاجرین تشکیل می‌دهند که حدود نیمی از مهاجرین از شهرستان‌های استان تهران و مرکزی بوده و ۲۰ درصد از شمال‌غربی کشور و ۱۰ درصد از شهرستان‌های استان گیلان بوده‌اند. (نظری ۱۳۶۸ ص ۱۶۴)

در همین دوره، کرج به دومین قطب جمعیتی استان تبدیل شد. به گونه‌ای که از شهر کوچک ۱۵۰۰۰ نفری در سال ۱۳۳۵، به پنجمین شهر کشور تبدیل شد که در ۱۳۸۵ بیش از ۱۳۷۷۰۰۰ نفر را در خود جای داده بود. بدین

ترتیب طی نیم قرن جمعیت آن ۹۲ برابر گردید که بالاترین رشد جمعیت شهری در کشور و حتی منطقه خاورمیانه به شمار می رود.

علاوه بر شهر کرج، شهرهای کوچک و آبادی های پیرامون آن (شهریار، قلعه حسن خان، رباط کریم و اسلام شهر) نیز طی همین دوره به شهرهای پرجمعیتی تبدیل شدند. ساکنان جدید این شهرها را کارگران صنایع اطراف و مهاجرینی تشکیل می دهند که از اقصی نقاط کشور و بویژه شمالغربی در جستجوی کسب و کار به تهران هجوم آورده اند. با اشباع شدن فضای داخلی تهران و گرانی مسکن در پایتخت، مهاجران به ناچار در غرب استان تهران ساکن شده اند. تشکیل این هسته پرتراکم جمعیتی در غرب تهران نشان دهنده روند های زیر می باشد:

- ۱- تشکیل قطب جمعیتی کرج و توده پرتراکم پیرامون آن، شدت جریان جمعیت از شمالغربی، شمال و غرب کشور را نشان می دهد که از این ناحیه وارد تهران می شوند و در صورت عدم امکان سکونت در تهران بزرگ، اندکی به سمت غرب بازگشته و در کرج و پیرامون آن ساکن شده اند.
- ۲- غرب استان تهران به دلیل جریان رود کرج و اراضی حاصلخیز و باغ های پایین دست آن در شهریار، از سایر نواحی مستعد تر و مرغوب تر می باشد.
- ۳- استقرار صنایع بزرگ کشور و شهرک ها و تاسیسات دولتی در مسیر تهران - کرج، این ناحیه را به مهمترین پسرکانه تهران تبدیل نموده است.
- ۴- گسترش فیزیکی و کالبدی پایتخت طی قرن اخیر به دلایل توپوگرافیکی (ناهمواری ها) به سمت غرب بوده و (کرج) بوده است. به همین علت یک کریدور شهری بین تهران و کرج در حال شکل گیری است و حتی تشکیل یک منطقه شهری (مگالوپلیس) بین تهران و قزوین محتمل به نظر می رسد.

جدول ۱ - مقایسه جمعیت شهر تهران با جمعیت کل کشور، کل شهرنشین و استان تهران و کشور طی دوره ۸۵-۱۳۳۵

سال سرشماری	جمعیت کشور	جمعیت شهرنشین	جمعیت استان تهران	درصد سهم تهران از جمعیت		
				ایران	شهرنشین کشور	استان تهران
۱۳۳۵	۱۸,۹۵۴,۷۰۴	۶,۰۲۶,۲۲۱	۲۸۷,۴۵۱۱	۸/۲۳	۲۶	۵۴/۳
۱۳۴۵	۲۵,۷۸۸,۷۲۲	۹,۷۹۵,۸۱۰	۳,۴۵۵,۵۳۷	۱۳/۴	۳۰/۴۲	۸۶/۲
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۱۵,۸۵۴,۶۸۰	۵,۳۱۳,۱۴۳	۱۵/۸	۲۸/۵۷	۸۵/۳
۱۳۶۵	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۲۶,۸۴۴,۵۶۱	۸,۰۹۵,۱۲۴	۱۶/۴	۲۲/۵	۷۴/۶
۱۳۷۵	۶۰,۵۵۴,۸۸	۳۶,۸۱۷,۷۸۹	۱۰,۳۴۳,۹۶۵	۱۷/۲	۱۸/۳۵	۶۵/۳
۱۳۸۵	۷۰,۴۷۲,۸۴۶	۴۸,۲۴۵,۰۷۵	۱۳,۴۱۳,۳۴۸	۱۹	۱۶/۱۶	۵۸/۱

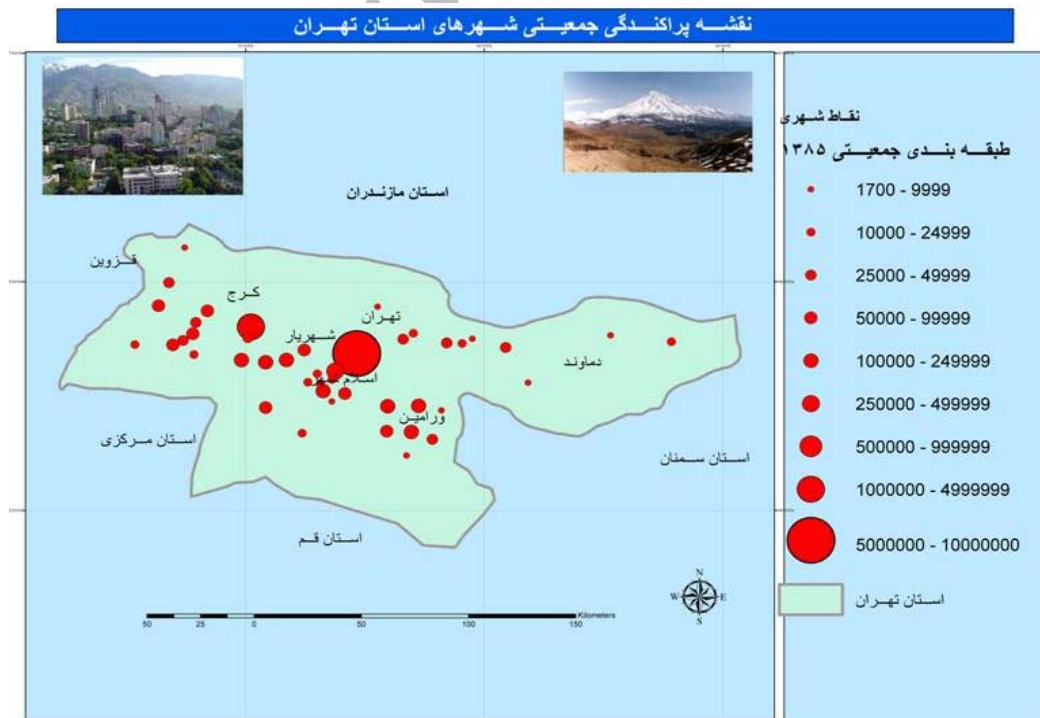
منبع سرشماری های نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

جدول ۲ - مقایسه رشد سالانه جمعیت شهر تهران^۱ استان تهران و کشور

شرح	۳۵-۴۵	۴۵-۵۵	۵۵-۶۵	۶۵-۷۵	۷۵-۸۵
شهر تهران	۶/۶۸	۴/۲۸	۲/۹۲	۱/۱۳	۱/۴۴
استان تهران	۱/۸۶	۴/۴	۴/۳	۲/۴۸	۲/۶۳
کشور	۳/۱	۲/۷۱	۳/۹۱	۱/۹۶	۱/۶۱

در واقع، قطب دوم جمعیتی و اقتصادی غرب استان تهران، سرعت رشد تهران را کنترل نموده است. به گونه‌ای که در ۳۰ سال گذشته در برابر ۶ برابر شدن جمعیت شهر کرج، جمعیت تهران بزرگ ۲/۶ برابر شده است. علاوه بر تشکیل کانون های جمعیتی بزرگی همچون شهر قدس (روستای قلعه حسن خان پیشین) شهریار، گلستان، ملارد، نسیم شهر، اسلام شهر در غرب تهران، شهرهای ورامین، پیشوا، قرچک و پاکدشت در شرق و جنوبشرقی تهران نیز رشد قابل توجهی داشته و بخشی از جمعیت ورودی به تهران را در خود جای داده‌اند. مقایسه «سهم شهر تهران از جمعیت استان تهران» و «سهم استان تهران از جمعیت کشور» به خوبی گویای مطلب فوق است. همانگونه که در جدول ۲ و ۱ ملاحظه می‌شود درحالی که طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵، سهم جمعیتی شهر تهران از استان تهران به صورت پیوسته کاهش یافته و از ۸۶/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۸/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده اما سهم جمعیتی استان تهران از کشور به صورت مداوم افزایش داشته و از ۸/۲۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (بعبارتی استان تهران حدود یک پنجم جمعیت کشور را در خود جای داده است). این امر شاخص مهمی جهت نمایش گرایش روزافزون جمعیت کشور به پایتخت می باشد. در سال ۱۳۵۵ رشد جمعیت شهر تهران ۴/۳ درصد بوده، در حالی که در همان زمان رشد جمعیت کشور تنها ۲/۷ درصد بوده است.

این روند، به خوبی گویای آن است که شهر تهران موتور محرکه رشد و توسعه فیزیکی استان تهران است و شهرستان های کرج با ۱/۷ میلیون نفر جمعیت، شهریار با بیش از یک میلیون نفر جمعیت، رباط کریم با ۶۱۵ هزار نفر جمعیت، اسلامشهر با نزدیک به ۴۵۰ هزار نفر جمعیت و ورامین و پاکدشت با مجموع جمعیت حدود ۷۸۵ هزار نفر، در غرب، جنوب غرب و جنوب شرق این استان، با مغناطیس شهر تهران ایجاد شده یا گسترش پیدا کرده‌اند.^۱ بعبارت دیگر، هرچه شهرهای استان به تهران بزرگ نزدیک تر بوده و در نتیجه نقش خوابگاهی را برای پایتخت ایفا می کنند، جمعیت بیشتری را در خود جای داده اند.



مرکز شهرستان های مزبور یعنی شهرهای کرج، اسلام شهر و شهریار نیز کانون های پرجمعیتی هستند که پیش تر به آنها اشاره شد

جدول ۳ - رشد جمعیت شهرهای استان تهران* در دهه ۸۵-۱۳۷۵

ردیف	شهر	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	درصد نرخ رشد سالانه
۱	تهران	۶۷۵۸۸۴۵	۷,۷۰۵,۰۳۶	۱/۳۲
۲	کرج	۹۴۰۹۶۸	۱,۳۷۷,۴۵۰	۳/۸۸
۳	اسلام شهر	۲۶۵۴۵۰	۳۵۷,۱۷۱	۳
۴	شهرقدس	۱۳۸۲۷۸	۲۲۹,۳۵۴	۵/۱۹
۵	ملارد	۸۸۱۱۸	۲۲۸,۶۷۳	۱۰
۶	ورامین	۱۰۷۲۳۳	۲۰۸,۵۶۹	۶/۸۷
۷	شهریار	۴۰۰۵۸	۱۸۹۴۲۱	۱۶/۸
۸	قرچک	۱۴۲۶۹۰	۱۷۴۰۰۶	۲
۹	پاکدشت	۴۹۲۲۰	۱۲۶۹۳۷	۹/۹۳
۱۰	نظر آباد	۶۹۳۴۲	۹۷۷۲۲	۳/۴۹
۱۱	رباط کریم	۳۶۴۸۸	۶۳۰۶۹	۵/۶۲
۱۲	هشتگرد	۳۳۵۶۸	۴۵۵۲۹	۳/۱۲
۱۳	ماهدشت	۲۸۹۷۶	۴۳۱۰۸	۴/۰۵
۱۴	پیشوا	۲۹۸۸۴	۴۱۸۸۰	۳/۴۳
۱۵	دماوند	۲۲۳۳۷	۳۶۷۰۸	۵/۰۹
۱۶	حسن آباد	۱۱۱۷۸	۲۰۴۷۱	۶/۲۳
۱۷	رودهن	۱۱۸۶۶	۱۹۸۳۲	۵/۲۷
۱۸	اشتهارد	۱۰۲۸۴	۱۷۱۴۴	۵/۲۴
۱۹	فیروزکوه	۱۷۳۱۰	۱۷۱۴۳	-۰/۰۹
۲۰	لواسان	۱۰۵۸۷	۱۵۴۸۶	۳/۸۷
۲۱	اکبرآباد	۸۵۱۲۴	ادغام با شهریار	-
۲۲	فشم	۶۷۶۲	۷۰۳۰	۰/۳۸
۲۳	جوادآباد	۳۸۳۶	۴۸۲۴	۲/۳۱
۲۴	کیلان	۲۳۰۳	۳۲۶۳	۳/۵۴
۲۵	طالقان	۱۶۲۶	۳۴۱۶	۷/۷

*شهرهایی که تا سرشماری ۱۳۷۵ به عنوان شهر شناخته شده بودند

منبع: سرشماری های نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ استان تهران

بویژه شهرهای ملارد، شهریار، رباط کریم، شهرقدس، ورامین، ماهدشت که رشد سالانه‌ای بین ۵ تا ۱۰ درصد را شاهد بوده اند. اما شهرهای کوهستانی استان تهران که به لحاظ طبیعی و کالبدی به تهران بزرگ پیوستگی ندارند و از پایتخت فاصله نسبی دارند، رشد جمعیت کمتر و حتی منفی داشته‌اند. (جدول ۳) بویژه شهرهای دماوند و فیروز کوه که مرکز شهرستان بوده و از پیشینه شهرنشینی بیشتری برخوردار می باشند. علاوه بر این، بسیاری از آبادی‌های دیگر نیز طی چند دهه ۸۵-۱۳۷۵ به شهرهای میانه تبدیل شده اند که در میان آنها شهرهایی همچون گلستان، نسیم شهر بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر و کمال شهر، محمدشهر، شهر اندیشه و صالح آباد، باقر شهر و باغستان بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر را در خود جای داده‌اند (جدول ۴). این شهرها بیشتر در جنوبغربی و غرب تهران بزرگ شکل گرفته‌اند.

جدول ۴ - نقاطی که طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ در استان تهران به شهر تبدیل شده اند. (بترتیب جمعیت)

ردیف	نام شهر	جمعیت ۸۵	ردیف	نام شهر	جمعیت ۸۵	ردیف	نام شهر	جمعیت ۸۵
۱	گلستان	۲۳۱،۸۸۲	۱۰	مشکین دشت	۴۳۸۵۸	۱۹	شهرجدیدهشتگرد	۱۵۷۳۶
۲	نسیم شهر	۱۳۵۸۴۶	۱۱	چهاردانگه	۴۲۲۳۸	۲۰	گرمدره	۱۲۸۲۷
۳	محمدشهر	۸۳۲۸۲	۱۲	پردیس	۲۵۳۷۴	۲۱	آبسر	۹۹۵۴
۴	کمال شهر	۸۰۴۳۵	۱۳	وحیدیه	۲۴۹۰۴	۲۲	کهریزک	۹۸۲۰
۵	شهراندیشه	۷۵۶۱۹	۱۴	نصیرآباد	۲۳۸۰۲	۲۳	شریف آباد	۸۸۹۴
۶	صالح آباد	۵۴۲۲۸	۱۵	فردوسیه	۱۹۳۱۲	۲۴	کوهسار	۷۷۶۹
۷	باقر شهر	۵۲۶۸۰	۱۶	شاهدشهر	۱۸۸۵۵	۲۵	چهارباغ	۵۶۱۸
۸	باغستان	۵۲۴۶۳	۱۷	صباشهر	۱۸۱۶۷	۲۶	آبعلی	۲۶۴۱
۹	بومهن	۴۳۰۲۳	۱۸	صفادشت	۱۵۸۸۷	۲۷	ارجمند	۱۷۰۰

منبع: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ استان تهران

۳- پیامدهای فضایی و اجتماعی رشد فیزیکی و جمعیتی تهران

بطور کلی علاوه بر آسیب ها و چالش های فضایی، جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی گسترش فیزیکی و کالبدی تهران در مقیاس ملی و ایجاد عدم توازن های فضایی و ناحیه ای در کشور که ناشی از رشد فزاینده قطب شهری بزرگ کشور است، گسترش فیزیکی، کالبدی و جمعیتی این کلانشهر، آنرا با سه بحران اصلی در درون مجموعه کلانشهر و مجموعه شهری تهران و در مقیاس وسیع تر در سطح استان تهران مواجه نموده است که عبارتند از:

- بحران هویت: جمعیت ۱۰ تا ۱۲ میلیونی مجموعه شهری تهران، با چالش هایی همچون نوسانات قیمت زمین و ساختمان، کاهش قیمت در مرکز شهر و افزایش آن در پیرامون، بازارسوداگری زمین، کهنکشانان از محله ها و محیط های پراکنده و گسیخته در پهنه حوزه شهری تهران مواجه است که جدایی گزینی اجتماعی و اقتصادی منطقه شهری را فزونی داده است. سیاست های دولتی در مساله تراکم ساختمانی، تشکیل فضاهای سکونتی و شهرهای جدید در بیرون شهرها، محوطه های جدید صنعتی به منظور انتقال صنایع کارگاهی مزاحم و سرانجام پایانه ها و انبارها بر این آشفتگی محیط افزوده است. همزمان با گسیختگی در هر دوره، عناصر پراکنده ای برای تعادل فضایی از یکسو به یکدیگر می پیوندند و از سوی دیگر به مجموعه مادر شهر متصل می شوند و در این روند نیز پیکره مادرشهر گسترش می یابد و هم عناصر حاشیه ای به آن ملحق می گردد و ساختاری پیچیده و پریپیچ و خم را پدید می آورد. در این ساختار پیچیده، تهران تنها با تکیه بر تاریخ و زنده داشتن همه عناصری که یاد آور خاطره ها و تجسم ذهنیات است، قادر به بقا و تداوم حیات است. درحالیکه رشد فعالیت هایی که هیچ گونه همبستگی و منفعتی حفظ هویت محیط شهری ندارند، همچنین ترک ساکنان قدیمی، کاهش قیمت زمین و ایجاد پوسیدگی و فرسودگی در بافت، همه شرایطی را ایجاد می کند که به زیان حفظ ارزش ها و هویت فضایی و اجتماعی شهر می انجامد و به نابسامانی های اجتماعی دامن می زند.

- بحران کارکرد: ساختار چند مرکزی و نه چندان قوی و کارآمد، درکنار نبود یک مرکز فعالیت های بازرگانی غالب، نداشتن سیاست اقتصادی کارآمد در کلان شهر تهران موجب بحران کارکردی و اقتصادی تهران گردیده است. درحالیکه تهران به عنوان مرکز سیاسی کشور، بزرگترین مرکز شهری در فاصله بین استانبول تا دهلی نیز محسوب

می شود که موقعیت ممتازی را از این لحاظ به آن می بخشد. چنین کلان شهرهایی در کشورهای صنعتی، در عصر تفوق اقتصادی دانش بر اقتصاد کالا و جهانی شدن اقتصاد، راهی جز تبدیل شدن به شهر جهانی ندارند تا محل یا فضای توسعه خود و اقتصاد ملی گردد.

- بحران زیست محیطی ارتباطات و ترابری : که به بحران بزرگ و غیرقابل انکاری تبدیل شده و برای برون رفت از آن، به غیر از ایجاد محدودیت برای حرکت سواره با اتخاذ انواع سیاست های مناسب و توسعه با برنامه حمل و نقل عمومی راه گریزی باقی نمی ماند. به این منظور دو گزینه اصلی مطرح است. نخست، چنانچه کلان شهر تهران از توسعه فضایی موجود پیروی کند و به عنوان شهر چند هسته ای با یک مرکز بازرگانی ضعیف، وضعیت حال را سامانی بهتر دهد. در این صورت سامانه ترابری از اتوبوس، مینی بوس و تاکسی های راهی تشکیل می شود. و نیازی به توسعه خطوط مترو ندارد. در گزینه دوم در صورت تبدیل مرکز شهر به یک مرکز منطقه ای فعال در زمینه مالی، فنی و تجاری توسعه شبکه حمل و نقل مترو ضرورت می یابد (جهانشاهی، ۱۳۸۴ ص. ۳۴ و ۳۳) برون رفت از بحران های مورد اشاره، نه تنها از مهمترین چالش های مدیریت شهری پایتخت به شمار می آید بلکه بخش مهمی از برنامه های آمایش سرزمین را مستقیم و غیر مستقیم به خود معطوف نموده و در هر حال بخش عمده ای از سرمایه های ملی را به خود جذب می نماید. در صورت تأخیر و مسامحه و عدم تدوین برنامه ای جامع و بلندمدت و کارآمد در این راستا، بحران های مورد اشاره هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرند.

۴- پیدایش شهرهای میانه استان تهران

مقایسه اندازه جمعیتی تهران بزرگ با شبکه شهری استان تهران و کل کشور، حاکی از حاکمیت پدیده نخست شهری در استان تهران و در نهایت کل کشور می باشد. تداوم این روند از نظر جان فریدمن سبب شکل گیری انباشتگی های شهری و تمرکز منطقه ای است که پیامد آن پیدایش الگوی مرکز - پیرامون است که رابطه ای استعماری و استثماری بین مرکز و پیرامون ایجاد می کند (گیلبرت و کالگر، ۱۳۷۵ ص ۶۴) در مقابل دنیس راندنیلی رهیافت کارکردهای شهری در توسعه روستایی را مطرح کرد که ایجاد شهرهای کوچک و میانی را در پیوند با حوزه های روستایی مورد تاکید قرار می داد. برای دستیابی به این رهیافت، دولت ها از طریق رشد شهرهای میانه یاری می رسانند تا پراکنش متعادل تری از جمعیت شهری و فعالیت های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند. بر اساس مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین ۱۳۶۴ شهرهای ایران را از نظر اندازه، بدین ترتیب می توان تقسیم نمود.

شهرهای بسیار بزرگ با جمعیتی بالای ۱ میلیون نفر

شهرهای بزرگ با جمعیتی بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر

شهرهای بزرگ میانی با جمعیتی بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر

شهرهای میانه بزرگ با جمعیتی بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر

شهرهای میانه کوچک با جمعیتی بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر

شهرهای کوچک با جمعیت بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر

شهرهای بسیار کوچک با جمعیتی کمتر از ۲۰ هزار نفر

بررسی و مطالعه تغییرات طبقات جمعیتی شهرهای استان تهران نیز حاکی از آن است که طی سرشماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، شهرهای میانی و بزرگ در برابر تهران رشد قابل توجهی داشته‌اند که علت اصلی آن سرریز جمعیت خود تهران و اشباع این شهر در برابر سیل مهاجرینی است که سکونت در شهرهای اطراف و نزدیک به تهران را بجای سکونت در خود شهر برگزیده‌اند. طی سال‌های مذکور، در سال ۱۳۵۵، تهران با بیش از ۴/۵ میلیون نفر ۹۴ درصد جمعیت شهری استان تهران را در خود جای داده بود و کرج دومین شهر استان تهران با کمتر از ۱۴۰ هزار نفر تنها ۲/۷۸ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده بود و اسلام شهر نیز با اندکی بیش از ۵۰ هزار نفر، شهر سوم استان محسوب می‌شد. ۱۰ شهر دیگر، شهرهای کوچکی با کمتر از ۲۰ هزار نفر جمعیت به شمار می‌آمد. بنابراین گسستگی بزرگ بین تهران و شهرهای بعدی وجود داشت و شهرهای بزرگ و بزرگ میانی در شبکه شهری این استان وجود نداشت. اما تغییرات دهه‌های بازپسین (که عمدتاً پس از انقلاب اسلامی است) کرج را نخست (در ۱۳۷۵) به طبقه شهرهای بزرگ (۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون) سوق داد و در سرشماری ۱۳۸۵ در زمره شهرهای میلیونی و پنجمین شهر کشور در آورد. ۱ شهر نیز به طبقه بزرگ میانی (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار) و ۸ شهر در طبقه شهرهای میانه بزرگ (۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار) و ۸ شهر دیگر در طبقه میانی کوچک (۵۰ تا ۱۰۰ هزار) قرار گرفتند. هرچند با سرعت تبدیل روستاها به شهر بر تعداد شهرهای کوچک و بسیار کوچک نیز افزوده شد (جدول ۵). شهر کرج بزرگ، شهر قدس، شهریار و اسلام شهر عمدتاً از پیوستن شهرهای کوچک پیرامونی به شهرهای بسیار بزرگ تبدیل شدند. به گونه‌ای که شهرهای گوهردشت، حصارک و مهرشهر به مجموعه شهر کرج پیوسته‌اند. همچنین اکبر آباد به شهریار و گلندوک به اسلام شهر منضم شده‌اند. افزایش روند سکونت‌گزینی در غرب تهران، همچنین شهرهایی همچون گلستان، نسیم شهر، محمد شهر، کمال شهر، شهر اندیشه، صالح آباد، باقر آباد و باغستان را با جمعیتی بین ۵۰ تا ۲۵۰ هزار نفر بوجود آورده است (جدول ۴)

جدول ۵: طبقات جمعیتی شهرهای استان تهران طی سرشماری‌های ۱۳۵۵ تا ۸۵

نتایج سال سرشماری	۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۵			۱۳۸۵		
	تعداد شهر	جمعیت	درصد	تعداد شهر	جمعیت	درصد	تعداد شهر	جمعیت	درصد	تعداد شهر	جمعیت	درصد
تهران بزرگ	۱	۴۵۳۰۲۲۳	۹۴/۳	۱	۶۰۴۲۵۸۴	۸۶/۴	۱	۶۷۵۸۸۴۵	۷۳/۷۵	۱	۷۷۰۵۰۳۶	۶۳/۲۳
۱۰۰۰۰۰ و بیشتر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۳۷۷۴۵۰	۱۱/۳
۵۰۰۰۰۰-۹۹۹۹۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۹۴۰۹۶۸	۱۰/۲۷	۰	۰	۰
۲۵۰۰۰۰-۴۹۹۹۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲۶۵۴۵۰	۲/۹	۱	۳۵۷۱۷۱	۲/۹۳
۱۰۰۰۰۰-۲۴۹۹۹۹	۱	۱۳۷۹۲۶	۲/۸۷	۲	۳۳۲۹۸۱	۴/۷۶	۳	۶۵۳۶۴۱	۷/۱۳	۸	۱۶۲۴۶۸۸	۱۳/۳
۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹	۱	۵۰۲۹۲	۱/۰۴	۳	۱۹۳۷۴۵	۲/۷۷	۳	۲۴۲۵۸۴	۲/۶۵	۸	۵۵۲۷۹۹	۴/۵۳
۲۰۰۰۰-۴۹۹۹۹	۰	۰	۰	۲	۴۴۰۹۳	۰/۶۳	۷	۲۴۰۵۳۱	۲/۶۲	۱۰	۳۴۹۰۱۵	۲/۸۶
کمتر از ۲۰۰۰۰	۱۰	۸۵۲۱۳	۱/۷۷	۱۰	۱۰۴۵۱۰	۱/۴۹	۷	۶۱۶۳۲	۰/۶۷	۲۰	۲۱۹۲۴۸	۱/۸

نتیجه‌گیری

پیوندهای اقتصادی-اجتماعی میان شهر تهران و کانون‌های جمعیتی پیرامون آن، فراتر از پیوند یک مکان جغرافیایی با مکان‌های جغرافیایی دیگر در حالت عادی است. این مکان‌ها، تنها روی کاغذ از هم تفکیک و به

عنوان شهرها و شهرستان های جداگانه سازماندهی شده اند و گرنه همانگونه که مطالعات مربوط به «طرح مجموعه شهری تهران» نیز بر آن صحنه گذاشته است، در استان تهران نه با تعدادی شهر و شهرستان که با یک مجموعه شهری روبرو هستیم که تنها فیروزکوه و طالقان را می توان مستقل از آن در نظر گرفت. در واقع مهمترین تفاوت تهران و بقیه استان های کشور این است که در نظام تقسیمات کشوری هر واحد سیاسی شهرستان (بعنوان زیر مجموعه استان) از یک یا چند شهر و تعداد بیشتری روستا تشکیل شده است درحالیکه کلان شهر تهران بزرگ خود چهار شهرستان تهران، شمیرانات، اسلام شهر و شهرری را در خود جای داده است. در چنین شرایطی، تعدد در مدیریت راهبردی چنین مجموعه ای به ناهماهنگی ها و مشکلات گسترده ای منجر خواهد شد و کارآمدی سیاست گذاری ها را به شدت مخدوش خواهد کرد. بسیاری از مطالعات از جمله «مطالعات طرح مجموعه شهری تهران» و «مطالعات طرح جامع جدید تهران» با عنایت به این موضوع، حتی پیشنهاد می دهند که مدیریت راهبردی در این مجموعه شهری از آنچه در حال حاضر هست نیز یکپارچه تر شود که این موضوع، در قالب بند ۷ مصوبه دولت در مورد شروط تحقق طرح مجموعه شهری تهران، تجلی یافته و مدیریت این مجموعه را با اختیارات ویژه به استاندار تهران سپرده است. اما از سوی دیگر، باید اذعان داشت که وحدت و یکپارچگی در مدیریت راهبردی در مجموعه شهری تهران، بدون داشتن مدیریت های سیاستگذاری و اجرایی قدرتمند میانی به مقصد نخواهد رسید. متغیرهای خدمت رسانی و سیاستگذاری در کانون های جمعیتی کلان شهری مثل تهران که به تنهایی معادل یک یا تعدادی از استان های کشور جمعیت دارد، متفاوت از کانون های جمعیتی عادی کشور است. در این کانون ها مدیران و دست اندرکاران اجرایی امور همانند همه شهرها و روستاهای کشور روزانه با موانعی به لحاظ مالی و اجرایی روبرو هستند که مرتفع ساختن آن نیازمند هماهنگی با مقام های بالاتر است اما گستردگی کمی و پیچیدگی کیفی آن موانع، چنان بالاست که در عمل تمام وقت آنها را به خود اختصاص می دهد. از این رو، چنین به نظر می آید که در استان تهران در عین حفظ وحدت و یکپارچگی مدیریت راهبردی آن در قالب شورای برنامه ریزی و توسعه استان و حتی تقویت آن، مناسب است برای یک یا مجموعه ای از شهرستان های آن، سطوح مدیریتی ویژه ای تعریف شود و اختیارات، نیروی انسانی و تشکیلات اداری متناسبی برای آن مجموعه ها یا شهرستان ها برای هدایت و پیشبرد توسعه و پیشرفت در آن مناطق در نظر گرفته شود. بنابراین گزینه بهینه برای ارتقای کارآمدی در مدیریت امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضای استان تهران، تشکیل مجموعه ها یا مناطق اداری با سطح تشکیلاتی بالاتر از سطوح کنونی شهرستانی است تا مدیریت واحد و یکپارچه استان تهران (شورای برنامه ریزی و توسعه استان)، به خدمت رسانی بهتر و کارآمدتر به مردم بپردازد. طی سال اخیر زمزمه تشکیل استان جدید در محدوده کرج و شهرستان های پیرامون آن شنیده می شود که البته با عنایت به مطالب ذکر شده، معلوم نیست که این امر تا چه اندازه می تواند در بهبود کیفیت خدمات شهری و اداری این منطقه موثر باشد.

منابع:

- ۱- جهانشاهی محمدحسین، بهار (۱۳۸۴): تولد دوباره تهران در کلان شهر تهران، جستارهای شهرسازی شماره ۱۲.
- ۲- حبیبی سیدمحسن، (۱۳۸۶): از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- حسامیان فرخ، اعتمادگیتی و حایری محمدرضا، (۱۳۷۷): شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه.
- ۴- رابرت پاتر و سلی لوید ایونز، (۱۳۸۴): شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
- ۵- رهنمایی، محمد تقی، (۱۳۷۵): توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف)، تهران پایتخت دویست ساله، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران.
- ۶- زنجانی حبیب اله، (۱۳۸۲): راهنمای جمعیت شهرهای ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- ۷- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۷۵): استان تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۷.
- ۸- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵-۱۳۸۷): استان تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- ۹- کاستللو وینسنت فرانسیس، (۱۳۷۱): شهرنشینی در خاورمیانه، نشرنی.
- ۱۰- گیلبرت آلن و ژوزف گالکر، (۱۳۷۵): شهرهافقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، انتشارات شهرداری تهران.
- ۱۱- میرحیدر دره، (۱۳۷۵): مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت.
- ۱۲- نظری علی اصغر، (۱۳۶۸): جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات گیتاشناسی.
- ۱۳- نظریان، اصغر. (۱۳۷۰): گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره پیاپی ۲۰ بهار.